

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال نهم- شماره چهارم- زمستان ۱۳۹۵- شماره پیاپی ۳۴

مقایسه تجدد ادبی در ایران با رنسانس ادبی اروپا

نگاهی تازه به مفهوم سبک‌شناسی نظم در ایران

(ص ۳۵-۵۱)

دکتر رضا بورقانی فراهانی (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۱۳۹۴

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۱۳۹۴

چکیده

جستار حاضر به بررسی سیر تجدد ادبی در ایران در سه دوره سامانی، بازگشت ادبی و دوران مشروطیت یا عصر بیداری میپردازد و در صدد آن است که اثبات کند تجدد ادبی تنها معطوف به دوران مشروطیت یا عصر بیداری نیست؛ بلکه در ایران نیز به موازات کشورهای اروپایی تجددهایی به وقوع پیوسته است.

در این مقال به بررسی شاخصه‌های تجدد ادبی و مقایسه آن با رنسانس اروپایی پرداخته شده است. در واقع این پژوهش روایت تاریخ ادبی ایران با عینک تجدد است از زمان سامانیان تاکنون و برخلاف پژوهش‌هایی که تاکنون ارائه شده است، طلوع تجدد را دوران سامانیان میدانند، دوره بازگشت ادبی نیز که ما در شکل‌گیری ادبیات معاصر است و ساده‌نویسی را به ادبیات ایران به ارمغان می‌آورد، به عنوان رنسانس ادبی محسوب شده است؛ چرا که در این دوره نیز شعرا و نویسندگان مانند هنرمندان عصر رنسانس بازگشت و احیا را دستور کار خود قرار داده‌اند مؤلفه‌های تجدد از جمله: خردورزی، آزادی، طنز، زن، داستان‌نویسی، تسامح دینی، آزادی عقاید نهضت تالیف و ترجمه کتب، احیای داستا‌های حماسی، وطن و ... مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: تجدد ادبی، سامانیان، عصر بیداری، رنسانس ادبی

یا مرگ یا تجدّد و اصلاح راهی جز این دو پیش وطن نیست
ایران کهن شده است سرپای درمانش جز به تازه شدن نیست
(ملک الشعراى بهار؛ ج ۱- ص ۲۸۷)

مسئلهٔ تجدّد بی گمان مهم‌ترین محور مباحث فرهنگی، ادبی، سیاسی و اقتصادی روزگار ماست. اکثریت قریب به اتفاق ادبا و علما برآنند که تجدّد و تجدّد طلبی از زمان مشروطیت آغاز شده است و طلیعهٔ تجدّد را نهضت مشروطیت تلقی کرده؛ سپس به بررسی و مطالعهٔ اوضاع و احوال آن زمان پرداخته تا به درک ماهیت و اهمیت شعر در ایران نوین برسند. در این جستار کوشش شده است تا با صحنه گذاشتن بر رونق بازار تجدّد در چند سال اخیر و بویژه بعد از نهضت مشروطیت، سیر تجدّد ادبی و سابقهٔ آن در ایران از زاویه ای دیگر بررسی شود. روایتی جدید از ماجرای تجدّد که قائل است «تجدّد ادبی در ایران سابقه ای بس دیرینه تر دارد».

اگر تجدّد ادبی را معادل رنسانس ادبی بدانیم، محصولات رنسانس و تجدّد عبارتند از: علم، خردگرایی، آزادی، فضای باز، اندیشه‌های باز و نوین، پرسش و کشف، تجدید حیات علمی و ادبی، احیا، بازگشت، بررسی واقعیت‌های جزئی، انسان‌گرایی، فرهنگ دوستی، عشق به مواهب این جهانی، تقلید از آثار گذشته، خرد انتقادی، فردیت انسانی، شوریدن بر زبان پر تکلف و دشوار، تحوّل در سبک‌های ادبی، تغییر در سلیقه‌های هنری، روشنفکری، تغییر مداوم، حرکت به سمت عقلانیت و ... راقم این سطور بر آن است که در ایران ما نیز رنسانسهایی به وقوع پیوسته است با ویژگی‌های مختلف:

۱- اگر رنسانس را از منظر بازگشت به افتخار و اقتدار گذشته تجدّد مینامیم در ایران نیز چنین تجددهایی بوده است. نمونه آن دو تجدّد عمده در عرصهٔ علم و فرهنگ و هنر است: یکی در قرن چهارم (سامانیان) و دیگری در قرن چهاردهم (مشروطه) که دورهٔ اخیر متأثر از پیشرفت تکنولوژی و صنعت در غرب بوده است. رنسانس سامانی در واقع یک رستاخیز فرهنگی است که به تجدید و احیای ایران و قهرمانان می‌انجامد. تسامح دینی و آزادی عقاید و آسانگیری سامانیان نسبت به فرق و مذاهب مختلف، تأثیرپذیری از فرهنگ قبل از اسلام، اقتصاد و درآمد بسنده، رعیت پروری شاهان سامانی و آزاد منشی و نرم خو بودن آنان، آزادی، انسان دوستی، خردورزی، فردیت انسانی، احیای سنت‌های ایران و قهرمانان که ثمرهٔ آن شاهنامه حکیم طوس بود شکوفایی و درخشانی علم و ادب، احیای عجم، بازآفرینی ادب و رسوم گذشته ایران و ... از اسباب و دلایلی است که اطلاق نام رنسانس بر دورهٔ سامانیان را توجیه و تبیین میکند.

اما دوران نهضت مشروطه یا عصر بیداری تجدّدی بود در جواب به مسائل لاینحل یک کشور عقب مانده آسیایی در برابر فن شناختی برتر مغرب زمین. اعزام محصلان به فرنگستان، تربیت کارشناس بومی، تأسیس دارالفنون، اقدامات امیرکبیر، تأسیس وزارتخانه‌ها و ادارات، نظام نامه‌های اداری، قانون، و تنظیم قوانین براساس قوانین اروپایی که بر صیانت و احترام حقوق افراد

تأکید میوزید. آزادی به عنوان یک ضرورت تاریخی، رواج صنعت چاپ، نهضت ترجمه، روزنامه ها و مطبوعات، تئاتر، قصه، نمایش نامه، رمان، دوره جدید روزنامه کاوه و انصراف آن از سیاست و رویکرد آن به علوم و ادبیات، ابتکارات دهخدا (طنز) و ... همه و همه از دلایل مبرهنی است که اطلاق رنسانس بر این دوره را منطقی، مستدل و به دور از تعصب توجیه میکنند.

بیان سوال:

- ۱- رنسانس چیست؟ آیا نمونه هایی از رنسانس در ادب و فرهنگ ایران وجود دارد؟
- ۲- اگر نهضت علمی و ادبی دوره سامانیان را رنسانس بنامیم دستاوردهای این تجدد کدامند؟ اشتراکات و افتراقات آن با رنسانس در اروپا چیست؟
- ۳- اگر نهضت مشروطه را به عنوان یک رنسانس در ایران بپذیریم نوآوری و پیشرفت این دوره در چیست؟ اشتراکات و اختلافات آن با رنسانس غرب در چیست؟

سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

توجه به دوره سامانیان و دوره قاجاریه در عرصه فرهنگ و ادب در کتب بی شماری مطرح شده است. لیک هر یک از منظری خاص به نقد و بررسی دوره و نویسندگان و شاعران آن پرداخته اند. جز کتابهایی چون: بخارا دستاورد قرون وسطی و عصر زرین فرهنگ ایران که هر یک به موضوع تجدد حیات علمی و فرهنگی ایران در عهد سامانیان پرداخته اند، اثر در خور دیگری درباره رنسانس سامانیان ارائه نشده است.

در حوزه تحول علم و فرهنگ و ادب در عصر مشروطه نوشته های بسیار داریم ولی هیچیک از آنها این جریان و تحول را با رنسانس ادبی اروپا مقایسه نکرده اند. ضرورت انجام تحقیق: در زاویه دید نوآن است. بررسی تحول و تکامل علمی، فرهنگی و ادبی ایران از منظر تجدد و احیا (رنسانس) که محصول موفق غرب است و پیش از این، این دو پدیده به صورت منسجم با یک دیگر مقایسه و بررسی نشده اند.

هدفها:

- ۱- آرایه یک الگوی موفق رنسانس به ویژه در ادبیات، پیش از پیدایی رنسانس در اروپا
- ۲- نهضت مشروطه به ویژه ادبیات این دوره از رنسانس اروپا الهام گرفته است یا از انقلاب صنعتی سود برده است؟
- ۳- بر هر یک از ادبیات دوره سامانیان و ادبیات دوره مشروطه میتوان عنوان رنسانس ادبی اطلاق کرد.

فرضیه ها:

- ۱- نمونه هایی از رنسانس در ایران وجود دارد.
- ۲- نهضت علمی و ادبی دوره سامانیان نوعی رنسانس ادبی است و میتوان دستاوردهای آن را با رنسانس در غرب مقایسه کرد.

۳- نهضت مشروطه در واقع یک رنسانس در ایران بوده نوآوریها و پیشرفتهای این دوره و اشتراکات و اختلافات آن با رنسانس غرب قابل تطبیق است.

تجلی و انعکاس مکاتب ادبی اروپا در ادبیات فارسی

مقایسه تطبیقی مکاتب ادبی اروپا با ادبیات ایران (دوره سامانیان، مشروطه)

مکتب رمانتیسم در اروپا	مکتب رمانتیسم در ایران
۱- پیدایش طبقه بورژوا که تحصیلات طبقه اشراف را نداشتند مثل: ژان ژاک روسو و لامارتین	۱- در ایران عهد صفویه با روی کار آمدن طبقات جدید اجتماعی در اصفهان داستان نویسی رواج یافت. ۲- در سبک عراقی من مطرح است. (ماجرای من و معشوق مرا پایان نیست)
۲- توجه بر جنبه های فردی. این مکتب من را کشف کرد ۳- ژرژ ساند ماجراهای عشقی خود را شرح میداد. ژان ژاک روسو در اعترافات خود به برخی از مسائل غیر اخلاقی اشاره کرد.	۳- در ایران ژانر اعترافات هیچ وقت رشد نکرد چند اثر شبیه اعترافات مثل: المنقذ من الضلال غزالی که نوعی اعترافات کلی و معنوی است نه خصوصی.
۴- طغیان رمانتیسم علیه کلاسیسم. ۵- رواج آثار رمانتیک به زبان فرانسه ۶- آزادی جایگزین محدودیت و توجه به مردم عادی.	۴- طغیان ادبیات معاصر در مقابل نهضت بازگشت ۵- ترجمه بسیاری از آثار رمانتیک فرانسه به زبان فارسی در دوره مشروطیت و ایجاد داستان نویسی تحت تاثیر این رمانها. افرادی چون: توللی - نادر پور - مشیری - حجازی رمانتیک هستند. ۶- ایجاد تغییر و تحول توجه به مردم عادی در سبک هندی و مقدار بیشتر در شعر بیداری دوره مشروطیت. رمانتیک در ایران که از ترکیه هم شیوع داشت افرادی چون تقی رفعت خامنه‌ای دهخدا.

رئالیسم در اروپا	رئالیسم در ایران
۱- اوج عصر رمان نویسی و حسیض شعر است دوره واقعیت زندگی طبقه بورژوا هر چند زشت و ناپسند ۲- اصول و قواعد کلی: تشریح جزئیات - تیپ سازی - توجه به حوادث کوچک و از راوی سوم شخص	۱- در ایران شعر در حد فاصل رمانتیسم تا سمبولیسم به خواب خوشی فرو رفت. ۲- تشریح جزئیات - تیپ سازی - توجه به حوادث کوچک و برجسته کردن آنها - استفاده از راوی سوم شخص

۳- تیپ سازی که در رئالیست است با ادبیات قدمی فرق میکند. مثل: تیپ در نوشته های بالزاک که معتقد بود باید از مثل: یک عارف کامل که عرفای دیگر باید شبیه او باشند. گروه مردم اخذ کرد لذا این تیپ کم و بیش واقعی است. اما در رئالیست در نوشته های صادق هدایت در حاجی آقا و ۴- دوره عظیمترمان است و نویسندگانی چون بالزاک (کمدی علویه خانم هر دو نماینده خواستهها و عادات و منافع کلی انسانی) گوستاو فلوبر (مادام بواری) تولستوی (جنگ و صلح) طبقه‌ی هستند که به آن طبقه بستگی دارند. چارلز دیکنز (اولیور توئیست - دیوید کاپرفیلد)... ۴- صادق هدایت (سگ ولگرد - بوف کور)

مکتب ناتورالیسم در اروپا	مکتب ناتورالیسم در ایران (دوره سامانیان - مشروطه)
۱- تأکید بیشتر بر نشان دادن زشتیها. مثل: گوستاو فلوبر ۲- در ناتورالیست انسان اسیر جبر (وراثت، محیط) است ۳- در فرانسه بوجود آمد و خاص آن جاست. امیل زولا - فلویر - موپاسان - آلفونس دوده - برادران گنکور	۱- مثل رئالیست با فرق این که بیشتر تأکید بر نشان دادن زشتیهاست مثل: صادق چوبک (البته سنگ صبور جز پست مدرن هم میباشد) ۲- انسان اسیر غریزه است. مانند سنگ صبور صادق چوبک ۳- در ایران صادق چوبک و گاهی آثار صادق هدایت در بعضی آثار شاعران و نویسندگان مثلاً: گلستان و بوستان سعیدی - تاریخ جهان گشا - آثار عبید زاکانی و بعضی آثار دوره مشروطه و دوره معاصر مثل: شاملو - فروغ فرخزاد.

مکتب سمبولیسم در اروپا	مکتب سمبولیسم در ایران
۱- سمبولیستها مدعی بیان واقعیتی تازه که واقعیتی پنهان است، بودند. آغازگر این نهضت شارل بودلر بود. برای هر یک از موجودات افکار و احساسات - حتی تصورات و تخیلات بشری نماینده یا سمبولی بر میگزیند. ۲- بزرگان سمبولیسم بودلر (سفر) پل والری (بیشه) محبت در سمبولیسم بیشتر تحت تأثیر فلسفه ایده آلیسم است که از متافیزیک (عالم روح - تخیل جدا از عالم مادی) الهام میگرفت.	۱- در ادب پارسی مثلاً: ماه نماینده زیبایی - نرگس نماینده چشم ... میباشد. ۲- در ادبیات فارسی تعدادی از شاعران و نویسندگان تفکر سمبولیکی داشتند از آن جمله: کلیه و دمنه - مرزبان نامه - منطق الطیر - داستانهای مخزن الاسرار - مثنوی معنوی - تعدادی از آثار شیخ شهاب الدین سهروردی و جاویدنامه اقبال لاهوری و اشعار نیما که سمبولیسم اجتماعی است.

مکتب سوررئالیسم در اروپا	مکتب سوررئالیسم در ایران
۱- در این مکتب برخورد روانی با ادبیات است. نویسنده با چشم سر واقعیت را می‌بیند اما آن را با چشم سِر (درون و سوررئال) تعبیر و تفسیر میکند. و بهترین سوژه برای فیلمهای ترسناک هستند.	۱- مثل: کتاب بوف کور صادق هدایت دیوانگی در سوررئالیسم و سیله ای است برای رهایی از خود سانسوری و محدودیت.

مکتب مدرنیسم در اروپا	مکتب مدرنیسم در ایران
در آثار مدرنیسم اصطلاحی مبهم و چند بعدی است. نمیتوان تعریف مشخصی از آن ارائه داد. بزرگانی چون: الیوت - ویرجینا ولف - ساموئل بکت میشل بوتور...	در تاریخ ادبیات ایران مقطع / پس از بازگشت / که مصادف با دوره رواج ادبیات نیست انگار شبه مدرنیستی میباشد. دوره اول مدرنیسم (شبه مدرن) ادبیات مشروطه است. آثار ادبی رمان واژه و اشعار قالب کلاسیک اما مضامینی مدرن دارند. پس از اصلاحات میرزا جعفرخان مشیرالدوله. ادب مشروطه ایجاد شد. آثار: آخوندزاده - طالبوف - زین العابدین مراغه ای - ستیاح

تجدد و مدرنیته و سیر آن در ایران

اصطلاح مدرن را با مفاهیمی چون جدید نو و امروزی میتوان معادل دانست. واژه مدرنیته را نیز معمولاً با مفهوم تجدد و واژه مدرنیسم را با تجددگرایی و نوگرایی برابر میدانند با وجود این که در مفهوم گاه هنگام کاربرد بجای هم بکار می‌روند. اما واقعاً دو مدلول متفاوت و در عین حال مرتبط با هم دارند. در تعریف اصطلاح مدرنیته یا تجدد اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد از این رو اکثر تعاریف تجدد را یک دوره تاریخی و در نتیجه یک پدیده زمان مند و مکان مند می‌دانند.

تجدد نخست در غرب به بارنشست. اما درست زمانی که باد تجدد در اروپا با شدتی هر چه بیشتر وزیدن میگرفت ایران دوباره به دو قرن سکوت افتاد و سیری قهقراپی آغازید در پایان این دوران نه تنها دیگر از برابری ایران و اروپا نشانی نبود بلکه شکافی ژرف میان ایران و قاجار و اروپای متجدد پدیدار شده بود به دیگر سخن درست در زمانی که در غرب سرمایه داری به اوج رونق میرسید ملت و وحدت ملی شکل می‌پذیرفت و زبانهای ملی ملاط این هویت و وحدت میشد

شهرنشینی رواج می‌یافت و سیاست و تفکر عرفی می‌گشت و کشورهای اروپایی به قصد فتح جهان به کشف آن می‌پرداختند و نگاهی جهانی را جانشین نگاه ملی می‌کردند و بالاخره نوع تازه‌ای از اندیشه مبتنی بر خرد نقاد جانشین ایمان مطلق میشد و در نتیجه عرصه‌های گوناگون تفکر از جمله فلسفه و روش تاریخ‌نویسی دگرگون می‌گشت ایران مسیری یکسره مختلف می‌پیمود و در آن بی‌ثباتی و رکود اقتصادی و فکری حاکم میشد (تجدد و تجددستیزی در ایران: ۱۰۳-۱۰۴).

طرحی در باب تحوّل شعر از منظر کریمی حکاک:

در سالهای اخیر فرآیند تحوّل ادبی - افول هنجارها، قواعد، سنتها و نظامهای کهن و تثبیت شده بیان هنری، از میان رفتن سر مشقها بی‌غالب و فراگیر، ظهور نظامهای تازه‌ی رمزگان ادبی و رواج شیوه‌های نوین معنا آفرینی و دلالت در پرتو نظریه‌ی ادبی ما بعد ساختگرایان از نو مورد بازنگری قرار گرفته است.

اصلیترین مسأله عبارت است از آشنایی ایرانیان با فرهنگهای اروپایی و نیز سازوکارهایی شامل مجموعه‌ای از بحثها، جدل‌ها، مشاجرات، منازعه‌ها و رقابتها در جامعه‌ی ادبی ایران. اندیشه‌ها و استدلالهای عرضه شده سناریوهای مطرح شده و منتهای نمونه‌ی آرایه شده از یک سو نتیجه‌گفتگویی مداوم با سنت شعر کلاسیک فارسی بود و از سوی دیگر با تصوّراتی عمدتاً خیالی درباره‌ی ادبیات اروپایی پیوند داشت.

سنت کلاسیک حتّی از سوی کسانی که با آن مخالفت می‌کردند هیچگاه بطور کامل طرد نشد. از همان ابتدا شاعران و منتقدان در همه‌ی نحله‌ها و گرایشها، آشکارا و در پاره‌ای موارد به شکلی خودآگاهانه و توأم با عصیّت خود را از طریق نحوه‌ی ارتباطشان با سنتی که از دل آن بیرون آمده بودند تعریف می‌کردند. هم سنتگرایان و هم نوگرایان اندیشه‌های جمال‌شناختیشان را با استفاده از زبان و اصطلاحات سنت کلاسیک بیان می‌کردند. گروه نخست به عنوان وارثان این سنت و گروه دوم به عنوان عصیانگرانی بر ضدّ آن.

شعر و نقد از دیدگاه آخوندزاده

فتحعلی آخوندزاده حامی پرشور اصلاحات فرهنگی بود او از قالب مقاله برای بیان اندیشه‌هایش بهره می‌برد. آخوندزاده با استفاده از تعریف پوئری که عبارت است از: آن چنان انشایی که شامل باشد بر بیان احوال و اخلاق یک شخص یا یک طایفه‌ای که ما هُوَ حَقُّه یا به شرح یک مطلب یا بروفصّ اوضاع عالم طبیعت با نظم در کمال جودت و تأثیر. (آخوندزاده، مکتوبات، ص ۱۱) او بعدها با اتکا به همین تعریف نقد تند و بیرحمانه‌ای از شعر فارسی آرایه می‌کند و می‌گوید همین نکته که ایرانیان برای اشاره به آن دسته از انواع نگارش که مورد انتقاد اوست از کلمه شعر استفاده می‌کنند چهل مطلق آنان را آشکار می‌کند. از نظر آخوندزاده تنها استثنا در میان همه آثار بی‌ارزش فرهنگ ایران شاهنامه‌ی فردوسی است. فردوسی تنها شاعر ایرانی است که اثری

آفریده که با آثار هومر و شکسپیر قابل مقایسه است. و در حقیقت میتوان گفت: «پوئزی فقط عبارت است از اشعار فردوسی که نظیر آن تا امروز به هیچ کس از ملت اسلام مقدور نگردیده». شاعرانی هم چون هومر، شکسپیر، فردوسی قادرند مخاطبان خود را در همهٔ زمانها و همهٔ فرهنگها تحت تأثیر قرار دهند. شاعرانی راستینند و آثارشان مبتنی بر واقعیت و تأثیر گذار. به اعتقاد او شاعران معاصر خودش متظاهران و مدعیان شمرده میشوند که اشعارشان یکسره آکنده از مبالغه های کاذب و غیر طبیعی است و همین ویژگی موجب شده که آثارشان نتواند حتی معاصران خود را تحت تأثیر قرار دهد.

اصل دیگری که در طرح آخوندزاده برای اصلاحات فرهنگی به همان اندازه اهمیت دارد به این اعتقاد او باز میگردد که نشان دادن خطاها و نقصها راه را برای گفتگو باز میکند و در نهایت به اصلاح بسیاری از آنها منجر میشود (طلیعهٔ تجدد در شعر فارسی، ۷۸-۹۰).

سیر تجدد ادبی

بازتاب اندیشه تجدد در شعر فارسی از آغاز تا مشروطه و گرایشهای نوجویانه پسامشروطه تجدد در معنای وسیع کلمه، که گسستن از ارزشهای کهنه و فرسوده و جایگزین کردن آنها با ارزشهای نو باشد، خواست تازه‌ای نیست و در همه مقاطع تاریخ و همه ابعاد شکل دهنده حیات فردی و اجتماعی، استمرار داشته است، چنان که حافظ در مطلع یکی از غزلهای مشهورش آرمان نوجویی خود را به این شکل بازتاب میدهد:

بیا تا گل برافشانیم و می‌در ساغر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم
و مولوی در شرح نوزائیش در فرهنگی نو، به زبانی روشن و تکان دهنده میسراید:
مرده بدم، زنده شدم، گریه بدم، خنده شد دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم
تابش جان یافت دلم، واشد و بشکافت دلم اطلس نو بافت دلم، دشمن این ژنده شدم
نظامی نیز دریافت آگاهانه خود را از قانون ابدی تکامل بدین گونه تصویر میکند.

به هر مدتی گردش روزگار ز طرری دگر خواهد آموزگار
سر آهنگ پیشینه، کج رو کند لَوایی دگر در جبهان نو کند
چو گم گردد از گوهری آب و رنگ دگر گوهری سر برآرد ز سنگ

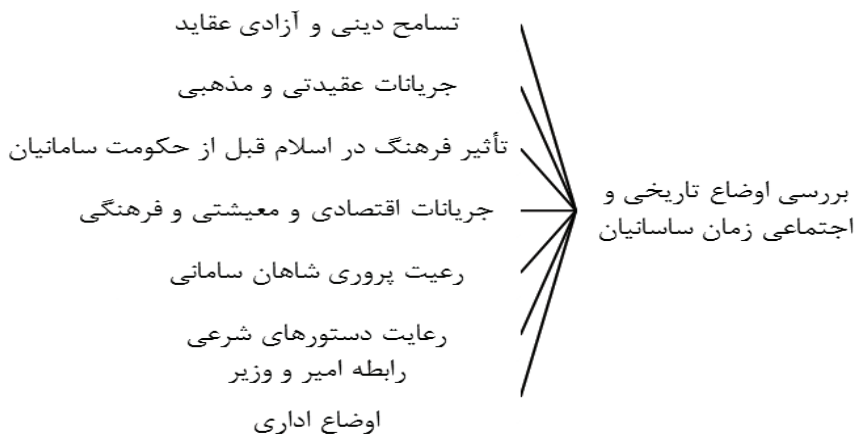
اما همه میدانیم که کاربرد واژه تجدد به گونه ((علم)) مربوط می شود به فضای سیاسی، اجتماعی ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، یعنی زمانی که این واژه به تقلید از روشنفکران وقت، به موازات لغت فرانسه‌ی مدرنیته، وارد زبان عامه مردم می‌شود بدون آن که تصویر روشنی از مفاهیم فلسفی یا مصادیق علمی آن داشته باشد. به قول داریوش آشوری «پس به راستی ما در تاریکی دست به این فیل می‌سودیم و دست هر یک از ما به هر جای آن می‌خورد گمان می‌کردیم... که فیل همانست... نهنگی به کشتی ما پهلوی زده بود که هر یک از ما در تاریک - روشنای غروب مدنیتمان سرش را میدید یا دمش را یا بالش را...» (غربزدگی: ص ۱۱۶)

ملک الشعرا بهار، اینکه آنان از شکل و شیوه نظام استبدادی دوعده‌ی حاکم بر مقدراتشان به تنگ آمده و آرزومند تغییر بودند را ضمن نثری نظم گونه چنین تصویر میکند:
یا مرگ یا تجدد و اصلاح راهی جز این دو، پیش وطن نیست
ایران کهن شده است سراپای
درمانش جز به تازه شدن نیست (غربزدگی: ۷)

نه تنها مردم عادی، که روشنفکران نیز ساختار درونی تجدد و روند پیچیده و خرنده‌ای را که منجر به شکلگیری عینی آن در دموکراسیهای نوپای اروپایی شده بود به درستی نمی شناختند. مثلاً نو اندیشانی چون ملکم و طالبوف و مراغه‌ای و کرمانی «...تلاش نظریشان در این خلاصه شده بود که بخشهایی از میراث فکر و اندیشه و فرهنگ و تمدن غربی را در لباس ایدئولوژی‌های ریز و درشت به جامعه ایران انتقال دهند...» (غربزدگی: ۳۶) از بین قشر نازک روشنفکران، آخوند زاده به این مسایل توجه بیشتری داشت، ولی او هم طرح کار آمدی برای رسیدن ایران به عصر تمدن جدید نداشت. شاعران نیز که به قولی از طبقه روشنفکر، به دیگر قول از «کوشندگان فرهنگی و سیاسی» (غربزدگی: ۳۳ - ۳۶) به شمار می‌آمدند، با لایه‌های درونی و علایم بیرونی پدیده تجدد غربی و روند تاریخی، اجتماعی آن آشنایی کافی نداشتند و غالباً مشتقاتی از کل پدیده را در اشعار خود میتاباندند.

به دلیل همین دانش سطحی و کم‌ریشه بود که کشور ما علی یکی از دلایل ناکامی طراحان فکر تجدد در جامعه شدیداً سنتگرای ایران فقدان زیربنای فکری - روانی لازم برای پیاده کردن این پروژه صعب بود. نفوذ بازدارنده باورهای ریشه دار فرهنگی، توأم با سماجت رهبران اعتقادی جامعه بر حفظ این باورها، ملت ما را از شناخت و پذیرفتن مبانی تجدد محروم داشته است.

شاخصه‌ها و مؤلفه‌های تجدد ادبی در دوره‌ی سامانیان



نمایی مختصر از وقایع جنبش مشروطیت

جنبش مشروطه ایران مجموعه کوششها و رویدادهائی است که در دوره مظفردالدین شاه قاجار و سپس در دوره محمد علی شاه قاجار برای تبدیل حکومت استبدادی به حکومت مشروطه رخ داد و منجر به تشکیل مجلس شورای ملی و تصویب اولین قانون اساسی ایران شد.

عدالت‌خانه

فرمان مشروطیت

مجلس اول

مجلس اول در ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ (۱۴ میزان ۱۲۸۵/۷ اکتبر ۱۹۰۶) در تهران گشایش یافت.

ویژگی‌های شعر در عصر بیداری

مهمترین مضامین شعر فارسی در عصر بیداری:

«آزادی، وطن، قانون‌گرایی، تعلیم و تربیت نوین، توجه به علوم و فنون جدید و توجه به مردم» است.

شاعران عصر بیداری

عارف قزوینی

نسیم شمال

میرزاده عشقی

پیشگامان نقد جدید در ادبیات ایران

«دوره بازگشت ادبی و مشروطیت و پس از آن»

آخوندزاده:

محمد تقی بهار (ملک الشعراء)

فاطمه سیاح

پرویز ناتل خانلری

بدیع الزمان فروزانفر

عبدالحسین زرّین کوب

نتیجه‌گیری

۱- نمونه‌هایی از رنسانس در ایران وجود دارد.

۲- نهضت علمی و ادبی دوره سامانیان نوعی رنسانس ادبی است و میتوان دستاوردهای آن را با رنسانس در غرب مقایسه کرد.

رستاخیز فرهنگی زمان سامانیان را میتوان با زمان رنسانس ایتالیایی در اروپا مقایسه نمود؛ رستاخیز

رنسانس و نوزایی در اروپا نبوده، بلکه از جهاتی این نوزایی در فرهنگ ایران بر رنسانس اروپایی تاثیر فیض بخشی گذاشته است.

رنسانس سامانی به «تجدید و احیای» ایران و قهرمانان می انجامد تسامح دینی و آزادی عقاید و آسانگیری سامانیان نسبت به فرق و مذاهب مختلف با روحیه مردم خراسان و ماوراءالنهر سازگار بوده است. چنین تساهل عقیدتی را در شیوه خلفای بغداد به هیچ وجه مشاهده نمیکنیم.

صراحت لهجه و آزادی بیان نیز از مقولاتی است که به هنگام سخن گفتن از تسامح دینی و آزادی عقاید میتوان به آن اشاره کرد. از دوره سامانیان یکی از دوره های شکوفا و درخشان علم و ادب ایران زمین است؛ در این دوره هنر و ادب و علم با آن که از حمایت دربار برخوردار بود هنوز به استخدام دربار در نیامده بود؛ سلامت و آزادی که از خصوصیات علم، هنر و ادب است، در سراسر آثار علمی و هنری این دوره به چشم می خورد. بسیاری از شاهکارهای علمی و ادبی دوره های بعدی نیز حاصل طبیعی این روزگار است که به نام اعصار بعدی شهرت یافته (شاهنامه) یا با باز شده آن جوانه های است که در این عصر بر درخت تمدن و فرهنگ ایرانی جلوه گر شده بود.

محصول دوره سامانیان اگر تنها دو فرزانه بی بدیل ایران زمین، یعنی فردوسی طوسی و ابوعلی سینای بخارایی باشد، کافی است که نام رنسانس، تجدد، احیا، نوزایی و ر ستاخیز فرهنگی بر آن دوره اطلاق گردد.

گسترش آزادی، دانش، هنر، انسانگرایی، خرد ورزی، فردیت انسانی، احیای سنتهای ایران و قهرمانان که ثمره آن شاهنامه حکیم توس بود همگی دلایلی هستند که به استناد آنها می تواند اصطلاح «تجدد و رنسانس» را شایسته دوره سامانیان دانست و بر آنان اطلاق کرد.

در جدول زیر شاخصه ها و مؤلفه های تجدد سامانی به تفصیل آمده است و سعی بر آن بوده که با ویژگی های «تجدد و رنسانس» در غرب اشتراکاتی داشته باشد.

شاخصه ها و مؤلفه های تجدد ادبی سامانیان

ردیف		
۱	سامانیان زبان پارسی را زنده کردند	احیا و تجدد و نوآوری
۲	رشد و گسترش زبان فارسی	بخارا دستاورد قرون وسطی
۳	جغرافیای تاریخی سامانیان	ماوراءالنهر
۴	تحولات سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی	قدرت یافتن طبقه دهقانان - احیای فرهنگ و ادب
۵	راهبایی حکمت آریایی در عرب	قریحه و روحیه آریایی در قالب عربی هنر نمایی کرد.
۶	موسیقی آریایی در عربی نفوذ کرد	ادامه موسیقی کهن ایرانی در عهد آل سامان

۷	تجددی در انشا و ترسل عرب وارد کردند	ادب ما؛ ادب عربی را به رنگ خو درآورد.
۸	تدوین تاریخ ایران و داستانهای ملّی به زبان پارسی	ابومنصور محمد بن احمد دقیقی
۹	مرسوم شدن عیده‌های ملی که در آریانا معمول بود	سده - نوروز - مهرگان باز مرسوم شدند.
۱۰	احیای داستانهای حماسی	خدای نامه‌ها و شاهنامه ابومنصوری ...
۱۱	تسامح دینیا و آزادی عقاید	آسان‌گیری نسبت به فرق و مذاهب مختلف
۱۲	نهیضت تألیف و ترجمه کتب	ترجمه تاریخ طبری و تفسیر طبری
۱۳	کتب مربوط به سیر ملوک فرس	ترجمه خدای نامه‌ها به عربی توسط حمزه اصفهانی و ابن ندیم و ابن مقفع
۱۴	قصه‌های امثال و حکایت‌های تمثیلی	Fable (حکایات تمثیلی از زبان حیوانات)
۱۵	تشکیلات اداری و دیوانی دربار	دیوان وزیر، شرطه، رسایل، استیفاء، برید، عرض
۱۶	علوم ادبی	علم خط - علم لغت - اشتقاق - صرف - نحو - قافیه - انشا (نثرنویسی، نقد نثر) - معانی - بیان و بدیع - عروض تاریخ و قصص - قرض الشعر (شعرشناسی - زیبایی‌های شعر)
۱۷	علوم عقلی	تمامی علوم‌ی که با استدلال و تعقل سروکار دارد.

۳- نهضت مشروطه در واقع یک رنسانس در ایران بوده، نوآوریها و پیشرفتهای این دوره و اشتراکات و افتراقات آن با رنسانس غرب قابل تطبیق است.

انقلاب مشروطیت ایران مرحله‌نهایی یک تحوّل دراز فکری بود.

۱-۳) پس از دو شکست ایران از روسیه تزاری، در زمان فتحعلی شاه قاجار، به جامعه نیم‌خفته آن زمان ایران هشدار داده شد و لزوم «تجدّد» جوابی بود به مسایل لاینحل یک کشور عقب مانده آسیایی در برابر فن‌شناختی برتر مغرب زمین.

۲-۳) بنابراین در زمان عباس میرزا برای نخستین بار محصلانی به فرنگستان اعزام شدند؛ اما برای «تجدّد» لازم بود که فرهنگ جدید در خود محل پا بگیرد و متخصص و کارشناس بومی تربیت کند. اقدامات امیرکبیر از جمله تأسیس دارالفنون واکنشی در برابر این نتیجه‌گیری منطقی بود.

۳-۳) آنگاه این مشکل به دنبال آمد که بسط فرهنگ جدید بدون یک سازمان اداری کار آیند و صحیح ممکن نیست تأسیس وزارتخانه‌ها و ادارات در زمان صدارت میرزا حسین خان سپهسالار در

اداره «نظام نامه» می خواهد. نظام نامه براساس تقسیم وظایف و مسؤولیتها تدوین میشود و در سطح یک کشور، به عنوان یک اداره، نظام نامه ها محتاج یک «قانون» مادر هستند.

۳-۵) فکر قانون اندک اندک شمول یافت و وجوب آن در اذهان روشنفکران امری بدیهی شد.

۳-۶) از آنجا که این تأسیس به صورت جدید در ایران بی سابقه بود (قانون مذهب به اعتقاد روشنفکران فقط پاسخ گوی امور معنوی و احوال شخصی میتوانست باشد) مطالعه «قوانین خارجی» آغاز شد.

۳-۷) و چون اساس قوانین اروپایی بر صیانت و احترام حقوق افراد قرار داشت، برای نخستین بار مفهوم «آزادی» نیز به عنوان یک ضرورت تاریخی مطرح شد.

حکومت ناصرالدین شاه که با حسن نیت همه سیر را پذیرفته بود از پذیرش استنتاج آفرین سرباز زد چرا که این استنتاج داعیه قدرت مطلق را در بطن خود میپروراند.

۳-۸) پیروزی مشروطیت آغاز تحقق مطالبات و آرزوهای «ملی» به شمار می آید.

۳-۹) پس از استقرار انقلاب این بار از کلی به جزئی آرمانها یکایک مطرح میشود.

حکومت ملی ← قانون ← اصلاحات اداری و در سر راه به منزلگاه تجدد و ترقی، ضرورت شناسایی و بسط علوم جدید، فرهنگ و ادبیات جدید.

در جدول (۲-۵) شاخصه ها و مؤلفه های تجدد ادبی مشروطه و اشتراکات آن با مدرنیته و مدرنیسم غربی به تفصیل آمده است.

شاخصه ها و مؤلفه های تجدد ادبی

ردیف	مدرنیته و مدرنیسم غربی	تجدد گرایی ایرانی (مشروطه)
۱	همزاد بودن با نوعی انقلاب علمی	انقلاب مشروطیت - رنسانس اروپا
۲	تجدد همزاد شهرنشینی است.	اصفهان در زمان شاه عباس کبیر در زمان اوج تجدد
۳	عقلگرایی و خردورزی (rationalism)	دکارت در غرب - فردوسی و رودکی در ایران
۴	اومانیسم؛ انسانگرایی و انسانیت انسان و محوریت او (غرب)	کرامت انسانی - همه چیز در خدمت انسان، انسان در خدمت خدا (ایران)
۵	فردگرایی (individualism) - تقدم منافع فردی بر جمعی	نگرش دینی جمعگرایانه که مقدم بر منافع فردی است.

شعر تعلیمی با درون مایه های جدید سیاسی، اجتماعی، روان شناسی	احساسگرایی اخلاقی. Sentimentalistic احساسات داور و منشأ تمام بایدها و نبایدها	۶
سنت و تجدد در خدمت یک دیگر نه در جدال با هم. بهار - عشقی - لاهوتی - اخوان	سنت ستیزی: نقشه راه سنت ستیزی پیشرفتگرایی میشود	۷
کشف و تسلط بر طبیعت + مدح و حمد خالق آن	علمگرایی؛ اکتفا به معرفت حسی (آزمایش و مشاهده)	۸
آزادی نعمت خداداد و موهبت الهی است.	آزادی خواهی و لیبرالیسم مبتنی بر فردگرایی	۹
اندیشه تساوی طلبانه و برابری همگانی با ملحوظ داشتن شایستگیها، صلاحیتها و ...	برابری گرایی. برابری و تساوی همه انسانها از هر نژاد و دین	۱۰
وطن به مفهوم ملیت و حاکمیت ملی و دولت ملی	خرد انتقادی و فردیت انسانی دو عنصر اصلی تجدد در اروپا	۱۱
آزادی (قانون خواهی، استبداد ستیزی، آزادی قلم و بیان)		۱۲
اخذ علم و مدنیت غربی (تکنولوژی و صنعت غرب)		۱۳
اصلاحات (نظامی - اقتصادی - سیاسی - فرهنگی)		۱۴
دگرگونی در نهادهای اجتماعی		۱۵
خارج کردن مدح از حالت شناور و عدم تجاوز به حدود کلمات و حتی حذف مدح		۱۶
تأسیس چاپ خانه - مطبوعات		۱۷
تأسیس مدارس جدید (دارالفنون)		۱۸

نمایش نامه - داستان - روزنامه نگاری - ترجمه - طنز - رمانهای تاریخی اجتماعی	۱۹
قانون - حقوق بشر - زن - خردگرایی و عقلانیت	۲۰
تصنیفهای وطنی - مسمط مستزاد - غزل سیاسی	۲۱
یوتوپیا (صنعتی زاده - سپهری - فروغ ...) - آرمانهای یوتوبیایی و تجدد و ترقی	۲۲
خارج کردن شعر و نثر از دربار و در خدمت عوام قرار دادن (ادبیات مردمی)	۲۳
دگرگونی ساخت و صورتها (ترجمه - ادبیات داستانی - فایل ...)	۲۴
تبدیل نقد سنتی و ذوقی به نقد مدرن اجتماعی و سمبولیستی (دقت در متن)	۲۵

- ۴- نهضت مشروطیت ایران، ادمیت، فریدون، نشر گستره، تهران، ۱۳۷۸
- ۵- از صبا تا نیما ج ۲، آرین پور، یحیی، شرکت سهامی کتابهای حبیبی، تهران، ۱۳۵۱
- ۶- از نیما تا روزگار ما ج ۳، آرین پور، یحیی، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۸۲
- ۷- غرب زدگی یا مرگ یا تجدد، آجودانی، ماشاءالله، جلال آل احمد، نشر اختران، تهران، ۱۳۸۷
- ۸- آجودانی، ماشاءالله، جلال آل احمد، مشروطه ی ایرانی، نشر اختران، تهران. (۱۳۸۷)
- ۹- ادبیات نوین ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، آژند، یعقوب، انتشارات امیرکبیر، تهران. ۱۳۶۵
- ۱۰- انواع ادبی در ایران امروز، آژند، یعقوب، نشر قطره، تهران. ۱۳۸۳
- ۱۱- میرزا تقی خان امیرکبیر، اقبال آشتیانی، عباس، انتشارات توس، تهران. ۱۳۶۳
- ۱۲- مبانی و روش های نقد ادبی، امامی، نصرالله، نشر جامی، تهران. ۱۳۸۵
- ۱۳- ادبیات معاصر ایران، امین، حسن، انتشارات دایرة المعارف ایران شناسی، چاپ اول، تهران. ۱۳۸۴
- ۱۴- تاریخ چاپ در ایران، بابازاده، شهلا، کتاب خانه طهوری، تهران. ۱۳۸۸
- ۱۵- سبک شناسی ۳ جلدی، بهار، محمد تقی، انتشارات امیرکبیر، تهران. ۱۳۶۹
- ۱۶- تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، پروین، ناصرالدين، جلد ۲، مرکز نشر دانشگاهی، تهران. ۱۳۷۹
- ۱۷- خانه ام ابری است، پورنامداریان، تقی، انتشارات مروارید، تهران. ۱۳۸۹
- ۱۸- مکتب های ادبی، حسینی، رضا، انتشارات نگاه، تهران. ۱۳۳۴
- ۱۹- مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران، حقوقی، محمد، نشر قطره، چاپ پنجم، تهران. ۱۳۸۳
- ۲۰- طلپعه ی تجدد در شعر فارسی، حکاک، احمد، ترجمه: جعفری، م.، انتشارات مروارید، تهران. ۱۳۸۹
- ۲۱- تاریخ ادبیات ایران (دوره بازگشت ادبی)، جلد ۱ و ۲، خاتمی، احمد، انتشارات پایا، تهران. ۱۳۸۰
- ۲۲- تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، دهمرده، برات، پیام نور، تهران. ۱۳۸۴
- ۲۳- مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، ویرایش سوم، ذاکر حسین، عبدالرحیم، تهران. ۱۳۷۵
- ۲۴- تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، ریپکا، یان، ترجمه: سری، ابوالقاسم، نشر سخن، تهران. ۱۳۸۳
- ۲۵- روزگاران، زرین کوب، عبدالحسین، انتشارات سخن، چاپ دوم، تهران. ۱۳۷۹
- ۲۶- با کاروان حُلّه، زرین کوب، عبدالحسین، غصع/انتشارات جاویدان، چاپ پنجم، تهران. ۱۳۶۲
- ۲۷- تاریخ ادبیات، جلد ۱ تا ۴، سبحانی، توفیق، انتشارات پیام نور، تهران. ۱۳۷۰
- ۲۸- سبک ها و مکتب های ادبی درّ درّی، سجادی، سیدضیالدين، بصری، طا. (بی تا)، انتشارات آرمان، تهران.

- ۲۹- شعر العجم یا تاریخ شعرا و ادبیات ایران، شبلی نعمانی، محمد، ترجمه: گیلانی، دنیای کتاب، تهران. ۱۳۶۳
- ۳۰- صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی، محمد رضا، انتشارات آگاه، چاپ دوم، تهران. ۱۳۵۸
- ۳۱- با چراغ و آینه در جست و جوی ریشه های تحول شعر معاصر، نشر سخن، تهران. ۱۳۹۰
- ۳۲- بوی جوی مولیان، شفق، اسماعیل، انتشارات نور علم، قم. ۱۳۷۸
- ۳۳- شعر فارسی از آغاز تا امروز، شکیب، پروین، انتشارات هیرمند، چاپ اول، تهران. ۱۳۷۰
- ۳۴- تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۱، صفا، ذبیح الله، انتشارات رامین، تهران. ۱۳۵۷
- ۳۵- تاریخ ادبیات ایران، جلد ۳، صفا، ذبیح الله، انتشارات فردوس، چاپ ششم، تهران. ۱۳۸۳
- ۳۶- سخن و سخنوران، فروزانفر، بدیع الزمان، انتشارات خوارزمی، تهران. ۱۳۵۰
- ۳۷- ناتورالیسم، فورست، لیلیان، اسکرین، پیتر، ترجمه: افشار، حسن، نشر مرکز، تهران. ۱۳۸۸
- ۳۸- مکتب بازگشت، لنگرودی، شمس، نشر مرکز، چاپ دوم، تهران. ۱۳۷۵
- ۳۹- تجدد و تجدد ستیزی در ایران، میلانی، عباس، انتشارات اختران، چاپ چهارم، تهران. ۱۳۸۲
- ۴۰- تجدد و تجدد ستیزی در ایران، میلانی، عباس، انتشارات اختران، چاپ هفتم، تهران. ۱۳۷۸
- ۴۱- تجدد ادبی یا انقلاب ادبی، وحید د سنگردی، حسن، نامه ی ماهیانه ادبی، علمی، اجتماعی ارمغان، شماره ۹-۲۶، تهران. ۱۳۶۶
- ۴۲- چون سبوی تشنه (ادبیات معاصر فارسی)، یاحقی، محمدجعفر، انتشارات جامی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۷